آب انبارهای ساری

داداشی، احمد

آیا مترجم داستانهای بیدپای بلعمی است؟

ترجمهء کلیله و دمنه را که با نام داستانهای بیدپای‏[به کوشش استاد دکتر پرویز ناتل خانلری و محمد روشن‏]منتشر شده است خواندم.نثر ساده و ابتدائی‏ آن مرا به این گمان افکند که نکند این یک ترجمهء قدیمی چون ترجمهء بلعمی از کلیله و دمنع باشد که مردی بخارائی آن را از خاور به باختر برده و بنام خود کرده‏ است.بخصوص که این نوع کارها در تاریخ ما پرسابقه است.البته بهترین اشخاصی‏ که می‏توانند دراین‏باره پاسخ قاطع بدهند مصححان تاریخ بلعمی،ولی با کمال تأسف مقدمهء آنها بر آن کتاب سرسری و تهی از هر مطلب تازه‏ایست.

کرامت رعنا حسینی

\*\*\*

آب‏انبارهای ساری

از جمله بناهای تاریخی ساری آب‏انبارهائیست که در چند محلهء شهر بچشم‏ می‏خورد.پیش از حفر چاه‏های عمیق و راه یافتن آب تصفیه شده به خانه‏ها مردم ساری‏ در تابستان از آب خنک آب‏ابنارها و در فصل دیگر از آب نهرها و چاه‏ها استفاده‏ می‏کردند.در آن روزگاران آب‏انبارها از اهمیت بسیاری برخوردار بودند.گویا عادت انسان‏هاست که چون به چیزی نیاز داشتند محترمش می‏دارند اما همینکه از آن‏ بهره‏مند شدند و احتیاج خود را برآوردند ناجوانمردانه پشت‏پایش می‏زنند.درست‏ است که امروز با پیشرفت بهداشت و افزایش آگاهی‏ها نباید از آب ایستادهء آب‏انبارها نوشید.ولی می‏توان آنها را که نشان‏ها و یادگارهایی از ذوق و هنر و پاک‏دلی مردمان‏ سده‏های پیش است از بیداد ابن الوقت‏های اداری مراقبت کرد.شکل ظاهری آنها عبارتند از یک مخزن بزرگ گنبدی که با آجر و ملاط محکم ساخته شده است.کنار آن راهروی است که با چندین پلهء بزرگ و سقفی منحنی و ضربی به شیر آب می‏رسد. در دو طرف سردر آب‏انبارها سکوهایی ساخته شده است که آبکشها(یک پول‏گیرها) آنجا می‏نشستند.آبکشها کارگرانی چابک بودند-که چندین کوزه و سطل پر آب‏ را با مهارتی خاص و تماشایی از ته آب‏انبار بالا می‏آوردند.هر آب‏انبار دارای‏ چندین چاه فاضلاب بود.چون آبهای زیادی بدون جرم و کثافت بودند این چاهها هیچوقت پر نمی‏شدند ولی مردم می‏پنداشتند فاضلاب آب‏انبارها از آبراه‏های باریک‏ زیرزمینی به باتلاقهای بیرون شهر می‏ریزند.آب این انبارها از نهر بود.میراب‏ها در شبهای بهار مخزن را آب می‏بستند.مردم هم گاهی برای کسب ثواب با میراب‏ها همکاری می‏کردند.

آب نهر ابتدا به حوضچه و پس از ته‏نشین شدن گل‏ولای آن به مخزن می‏رفت.